



واژه نامه فلسفه تعلیم و تربیت

(رشته علوم تربیتی)

آزاده زارع دکتر محمدرضا سرمدی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشأن خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

پیشگفتار

امروزه نقش زبان فارسی به عنوان ابزار انتقال اطلاعات، به دلیل پیشرفت فزاینده علم و فناوری به مراتب پر اهمیت‌تر از گذشته به چشم می‌آید. زبان فارسی برای بر حذر ماندن از افزایش دامنه و تهاجم زبان‌های بیگانه به ویژه زبان انگلیسی باید خود را پیوسته به ابزارهای جدید مجهز سازد؛ در غیر این صورت در یک فاصله زمانی کوتاه جایگاه خود را در زمینه‌های علمی از دست داده و به زبان محاوره‌ای تنزل خواهد یافت. مهم‌ترین شیوه تجهیز زبان علمی، ساخت نو واژه‌هایی است که پیش از این سابقه‌ای در زبان فارسی نداشته‌اند؛ نو واژه‌هایی که بتوانند این زبان را در مقابل آثار منفی ورود بی‌امان اصطلاحات علمی زبان‌های اروپایی و به ویژه انگلیسی حفظ نمایند. پیشرفت و توسعه علم فلسفه تعلیم و تربیت در ایران مانند هر رشته علمی دیگری به واژگان مناسب آن بستگی دارد، زیرا به کمک این واژگان است که انتقال مفاهیم و اصطلاح‌های جدید با دقت و درستی مورد نیاز علم، امکان‌پذیر می‌شود. از سوی دیگر امروزه میزان کار در زمینه ترجمه متون علوم تربیتی، از جمله فلسفه تعلیم و تربیت و مقالات و منابع جدید به حدی است که واژه‌نامه‌های موجود باید مرتباً مورد بازنگری و تجدیدنظر قرار گیرند.

با این وجود، تردیدی نیست که واژه‌آفرینی و تعیین معادل‌های فارسی و علمی برابر با واژگان بیگانه، حتی اگر با دقت و وسواسی که در فرهنگستان زبان و ادب فارسی صورت می‌گیرد انجام شود، باز هم نیازمند به روز رسانی است. از این‌رو

به روزرسانی واژه‌نامه‌های علمی موجود به شکلی منظم و مطابق با شیوه‌های رایج در فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌تواند در برآوردن نیازهای روزافزون اساتید، پژوهشگران و دانشجویان؛ به ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی نقش مهم و سازنده‌ای ایفا کند. در کتاب حاضر نیز سعی بر آن بوده است تا با استفاده از آخرین و روزآمدترین ترجمه‌های موجود و همچنین معادل‌سازی‌های جدید نیاز دانشجویان رشته علوم تربیتی به ویژه دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترای فلسفه تعلیم و تربیت را در زمینه مطالعات مربوط به رشته‌شان یاری رساند.

ENGLISH-PERSIAN

A

A book for parents	کتابی برای والدین (ماکارینکو)
A brain in a vat	مخى در خم
A common faith	یک آیین مشترک
Aesthetic	زیبایی‌شناسی
Aesthetic continuum	تداوم موزون
Aesthetics hedonism	لذت‌گرایی زیبایی‌شناسانه
A fortiori	به طریق اولی
A Positive thesis	ادعایی اثباتی
A posteriori	پسینی - پساتجربی - از معلول به علت - متأخر - مابعدتجربی - غیر اولی - بعدی - متأخر (متأخر بر تجربه)
A posteriori demonstration	برهان اثنی
A posteriori reasoning	استدلال اثنی
A posteriori proof	حجت پساتجربی
A priori	برهان اثنی - بعدی - پیشینی - پیش از تجربه - از علت به معلول - ما قبل تجربی - اولی - ماتقدم (مقدم بر تجربه) - قبلی - پیشاتجربی - اولی - لمی - پرتوم
A priori demonstration	برهان لمی
A priori intuition	شهود پیشینی
A priori intuitionism	شهودگرایی مقدم بر تجربه
A priori Knowledge	معرفت پیشینی
A priori maxim	دستور پیشینی
A priori reasoning	استدلال لمی
A priori laws	قوانین قبلی
A priori principle	اصل قبلی
A Priori proposition	گزاره پیشاتجربی
A priori truths	حقایق قبلی
A priorism	عقیده به اولیات - ادعای حقایق مستقل از تجربه
A priorist	پیشینی‌گرا
A priorist Interpretation	تعبیر پیشینی‌گرایانه
Abandonment	کناره‌جویی - واگذاری
Abandonment of being	وانهادگی وجود - ترک هستی
Abasement	پستی - زبونی - کمینه‌سازی
Abbreviate conventions	قرار دادهای کوتاه‌نویسی

Abductor	برون‌بر
Aberration	گمراهی - انحراف - خبط
Abiding entity	هستی پایدار
Abiding world	جهان پایدار
Abiding, the	مقیم - پایدار - ماندگار - چیز ماندگار - ایستندگار
Abilities	توانایی‌ها
Ability	توانش - توانمندی - قدرت - توانایی
A biogenesis	زایش زنده از نازنده - تولید خودبه‌خود
Ablation	روش قطع کردن
Ablaut	دگرگونی واژه‌ها
Abnegation	از خودگذشتگی - انصراف
Abnormal	ناهنجار - نامعمول
Abnormal reaction	واکنش ناهنجار
Abode	کاشانه
Abolition	امحا - لغا - برانداختگی - لغو
Abolition of classes	لغو مجموعه‌ها
Aboutness	درباره‌گی
Above	فوق
Aboveness	فوقیت
Abraham	ابراهیم (ع)
Abrogate	نسخ کردن
Abrogated	باطل - منسوخ
Abrogating	ناسخ
Abrogation	ابطال - نسخ
Abrogation of religious law	نسخ احکام
Absence	خفا - غیبت
Absence of being	فقدان وجود - غیاب هستی
Absent	غایب
Absent and witnessed	غیب و شهادت
Absent identity	هویت غیبیه
Absent of the absent	غیب - الغیب
Absent, the	عالم غیب
Absolute	مطلق - ذات مطلق - محض - نفسی
Absolute act	فعل مطلق

Absolute agent	فاعل مطلق	Absolute predestination	جبر
Absolute ago	من مطلق	Absolute Presuppositions	پیش فرض های مطلق
Absolute authority	مرجعیت مطلق	Absolute prophet hood	نبوت مطلقه
Absolute awareness	آگاهی مطلق	Absolute quiddity	ماهیت مطلقه - ماهیت با بشرط
Absolute being	موجود مطلق - وجود صرف - وجود محض - وجود مطلق	Absolute reality	واقعیت مطلق - حقیقت مطلق
Absolute certainty	یقین مطلق	Absolute rest	سکون مطلق
Absolute consciousness	آگاهی مطلق	Absolute science	علم مطلق
Absolute delegation of power	تفویض	Absolute self	خود مطلق - نفس مطلق
Absolute demand	استدعای مطلق	Absolute soul	نفس کلی
Absolute Determination	جبر - جبر مطلق - موجبیت مطلق	Absolute sovereign	حکمران مطلق
Absolute duty	تکلیف مطلق	Absolute space	مکان مطلق
Absolute ego	من مطلق	Absolute spirit	روح مطلق - روح مطلق (هگل)
Absolute eternity	ازلیت مطلق	Absolute spontaneity	فاعلیت بالطبع علی الاطلاق
Absolute evil	شر مطلق	Absolute time	زمان مطلق
Absolute existence	وجود مطلق	Absolute truth	حقیقت محض - حقیقت مطلق - حق مطلق
Absolute existent	موجود مطلق	Absolute unity	وحدت مطلق - وحدانیت - یگانگی مطلق - احدیت
Absolute form	صورت مطلق	Absolute unseen, the	غیب مطلق
Absolute good	خیر مطلق - خیر محض	Absolute verification	تصدیق مطلق
Absolute goodness	خیر مطلق	Absolute void	خلأ مطلق
Absolute government	حکومت خودکامه	Absolute, the	امر مطلق، وجود مطلق
Absolute idea	مفهوم مطلق - مثال مطلق	Absolutely	علی الاطلاق - مطلقاً
Absolute idealism	ایدئالیسم مطلق - انکارگرایی مطلق - ذهنی گرایی محض	Absolutely fixed time	سرمد
Absolute infinite	بی نهایت مطلق	Absolutely necessary exiting being	واجب الوجود بالذات
Absolute king	ملک علی الاطلاق	Absolutely necessary signs	نشانه های ذاتاً بایستنی
Absolute Knowledge	دانش مطلوب	Absolutely non-being	معدوم مطلق
Absolute light	نور مطلق	Absolutely non-existent	معدوم مطلق
Absolute man	انسان مطلق	Absolutely particular	اخص مطلق
Absolute matter	ماده ی مطلق	Absolutely rich	غنی مطلق
Absolute monarchy	سلطنت مطلقه	Absoluteness	اطلاق - مطلق بودن - مطلقیت
Absolute monarchy	سلطنت مطلق	Absoluteness of being	اطلاق وجود
Absolute monism	یک گرایی مطلق	Absolution	مطلق گرایی
Absolute monist	یک گرای مطلق	Absolutism	مطلق انگاری - مطلق گرایی
Absolute movement	حرکت مطلق	Absolutist	مطلق گرا
Absolute negation	نفی مطلق	Absorbing	استغراق
Absolute non- existence	عدم مطلق	Absorption	بازگشت به اصل - استغراق - شمول
Absolute non- manifestation	غیب مطلق	Abstain	منع
Absolute nothing	عدم مطلق - لاشیء مطلق - هیچ مطلق - معدوم مطلق	Abstainer	زاهد
Absolute oneness	واحد مطلق - واحد محض - یکتایی مطلق - واحدیت	Abstemious	زاهد
Absolute perfection	کمال مطلق	Abstention	منع
Absolute philosophy	فلسفه مطلق	Abstinence	احتراز - زهد
Absolute possibility	امکان مطلق	Abstinent	زاهد
Absolute power	قدرت مطلق	Abstract	انتزاعی - مجرد - تجربیدی - برآهنجیدن - تجرید کردن - انتزاع کردن - آهنجیده

Abstract, to	انتزاع کردن
Abstract dimension	بُعد مجرد
Abstract existence	وجود مجرد
Abstract form	صورت مجرد
Abstract ideas	تصورات انتزاعی - اندیشه‌های مجرد
Abstract illumination	اشراق مجرد - نور مجرد
Abstract individual	فرد مجرد
Abstract intelligible	معقول مجرد
Abstract light	نور مجرد
Abstract Notion	مفهوم تجربیدی
Abstract objects	امور انتزاعی - انتزاعیات
Abstract possibility	امکان مجرد
Abstract reasoning	استدلال انتزاعی - تعقل مجرد
Abstract term	تعبیر تصویری
Abstract thought	فکر انتزاعی - تفکر انتزاعی - فکر مجرد
Abstract unity	وحدت انتزاعی
Abstract universal	کل مجرد
Abstracted	انتزاعی - مجرد - منتزع
Abstracted attribute	صفت انتزاعی
Abstracted idea	معنای انتزاعی
Abstracted Quality	صفت انتزاعی
Abstractedness	انتزاعیت
Abstracting	انتزاع - تجرید
Abstraction	انتزاع - تجرید - برآهنجش
Abstraction possibilities	امکانات مجرد
Abstractionism	انتزاع‌گرایی - مجردگرایی - قول به انتزاع
Abstractionist	مجردگرا
Abstractions	مجردات - انتزاعات - تجریدات - مجردات
Abstractive	انتزاعی
Abstractness	برآهنجیدگی
Abstruse	دور از ذهن
Absurd	محال - بیهوده - عبث - بوج - نامعقول
Absurd, the	امر نامعقول
Absurdity	محال‌اندیشی - امر خلاف منطق - محالی - بیهودگی - محال
Absurdity	نامعقولی - باطل - لغو
Abyss	ژرفنا
Academic	آکادمیک - علمی و نظری - دانشگاهی
Academic freedom	آزادی آکادمیک
Academic skepticism	شکاکیت (شک‌گرایی) آگاهی - مکتب شکاکیت پیرهونی
Academy	آکادمی - مدرسه افلاطون
Acceptance	قبول - پذیرش
Accident	عرض - تصادف

Accidental	تصادفی - عَرَضی
Accidental property	ویژگی عرضی
Accidentalism	صُدْه‌گرایی - پیشامدگرایی
Accidentalist	صُدْه‌گرا - پیشامدگرا
Accident	عارضه
Accommodation	تطبیق - انطباق - همسازی
Account	تبيين - توضیح - گزارش - شرح - روایت
Acosmism	نیست‌انگاری جهان - انکار وجود جهان مادی
Acquaintance	آشنایی
Acquired	حصولی
Acquired intellect	عقل مستفاد
Acquisition	کسب - اکتساب
Act of consciousness	فعل آگاهی
Act of Knowledge	فعل شناخت
Act of perception	عمل ادراک
Act of will	فعل اراده
Act of willing	فعل اراده‌کردن
Act utilitarianism	فایده‌انگاری عمل‌نگر - سودگروی عمل‌نگر
Act-deontological theories	نظریه‌های وظیفه‌گروانه عمل‌نگر
Action	فعل - عمل - کنش - کرده - فعال [از مقولات ده‌گانه]
Action at a distance	کنش از دور
Action theory	نظریه‌ی کنش
Action-guiding	راهنمایی کار و کردار
Actions of justice	افاعیل عدل - عملکردهای عدالت
Activation	فعال‌سازی
Active	کارگر - فعال - فعلی - کنشی - کنشگر
Active agent	فاعل کارگر
Active being	موجود فعال
Active intellect	عقل فعال
Active mind	ذهن فعال
Active reason	عقل فعال
Activism	فعل‌گرایی
Activity	فعالیت - کوشش - کردوکار - فعل - کردگاری
Actor	کنشگر
Actor-world	کنشگر - جهان
Acts of attentions	اعمال بینشی
Actual	فعلی - بالفعل - متحقق - واقعی - کنشگر
Actual being	موجود بالفعل - موجود متحقق
Actual degree of belief	درجه بالفعل باور
Actual duties	وظایف فعلی
Actual duty	وظیفه در مقام عمل
Actual entities	موجود بالفعل - موجود متحقق - موجود واقعی

Actual intellect	عقل بالفعل	Aesthetics expressivism	بیان‌گرایی زیبایی‌شناسانه
Actual occasions	موارد بالفعل	Aether	اثير - ماده سیال و قابل انقباض و انبساط که فضا را پر کرده است.
Actual reality	واقعیت بالفعل	Aethereality	خاصیت ائیری - لطافت
Actual reason	عقل بالفعل - وجود متحقق	Affability	مهربانی
Actual will	اراده بالفعل	Affection	عشق - تمایل - عاطفه - دلبستگی
Actuality	فعلیت - تحقق - بالفعل - وقوع	Affect	انفعال
Actuality and Potentiality	قوه و فعل	Affection	انفعال - میل
Actualization	فعلیت - تحقق‌بخشی - حال بالفعل - به فعل درآوردن	Affections	تأثرات - انفعالات
Actually	فعلیت	Affective	عاطفی - گرایشی
Actual-rule-utilitarianism	سودگروی قاعده‌نگر عملی	Affective disposition	توانایی‌های عاطفی
Actus	اکتوس (فکر)	Affinity	قربانیت - بستگی - خویشاوندی سببی
Ad hoc	رفوگرانه	Affirm, to	هاییدن - ها گفتن - آری گفتن - تأییدکردن - ایجابکردن - تصدیقکردن
Ad infinitum	الی غیرالنهایی	Affirmable	قابل اثبات - قابل ایجاب
Adam's fall	هبوط آدم	Affirmation	ایجاب - خصلت اثباتی - تصدیق - حکم ایجابی - ایجاب - تأیید - اثبات - تأیید تصدیق
Adaptation	انطباقی - هماهنگی - سازگاری - اقتباس	Affirmative	ایجابی - اثباتی - موجب - موجب - مثبت
Adaptation	سازگاری	Affirmative action	اقدام مثبت
Addition	افزودن	Affirmative and negative	موجب و سالب
Addition-sign	نشانه جمع	Affirmative attribute	وصف ایجاب
Adequate	کافی - بسنده	After life	حیات آخرت - زندگی آن جهانی
Adequate copy	برگردان صحیح	Against naturalism	ضد طبیعت‌گرایانه
Adjective	وصفی - صفت	Agency	فاعلیت - عاملیت
Adjunct	الحاق	Agency social contract	قرارداد اجتماعی کارگزاری
Adjustment of claims	تنظیم خواست‌ها	Agenda	دستور کار
Administration of the city	علم تدبیر شهر - مدیریت شهری	Agent	فاعل - کارگر - عامل - کُنشگر - علت‌شناسی - کارگزار
Admiration	ستایش - تحسین	Agent cause	علت فاعلی
Adolescence	نوجوانی	Agent- neutral	خنثی
Adultery	زنا	Agent of generation	مکون - باشاننده - عامل ایجاد
Advantage	نفع - سود - منفعت	Agent of the soul	عوامل نفسانی
Adventitious	عارضی - اکتسابی	Agglutination	پیوند
Adventures of ideas	سرگذشت اندیشه‌ها	Aggregates	مجموعه‌ها
Advising	توصیه	Aggregation	انباشت
Advocacy	منفعت‌گرایی ناظر بر عمل	Aggression	پرخاشگری
Advocate	رسا - کافی - مناسب	Aggressive	پرخاشگر
Aesthetic	زیبایی‌شناختی - استحالی	Aggressiveness	پرخاشگری
Aesthetic appreciation	درک زیبایی‌شناختی	Agitation	شوراندن
Aesthetic delight	شعف زیبایی‌شناختی	Agnoiologist	جهل‌شناس
Aesthetic reason	عقل هنری	Agnoiology	جهل‌شناسی
Aesthetic	زیبایی‌شناسی	Agnostic	لادری‌گو - اهل تعطیل و توقف - متوقف - معطل - لادری (اهل تعلیق حکم - نه باعتباد و نه بی‌اعتقاد) - فاعل
Aesthetician	زیبایی‌شناسی		
Aestheticism	زیباپرستی		
Aesthetics	زیبایی‌شناسی - هنرشناسی - حس زیبایی - زیبا حسیک		
Aesthetics attitude	نگرش زیبایی‌شناسی		
Aesthetics cognitivism	شناخت‌گرایی زیبایی‌شناسانه		

Agnostic Pluralism کثرت‌گرایی لادری‌گرایانه
 Agnostic realism واقع‌گرایی لادری
 Agnostic realist واقع‌گرای لادری
 Agnosticism لادری‌گری - فلسفه ناآگاهی - اعتقاد به عدم تکافوی ادله و عدم امکان معرفت - انکار امکان معرفت - لادری‌گرایی - توقف - شکاکیت - مذهب ممتنع‌بودن معرفت
 Agnosticist لادری‌گرا - پیرو آیین توقف - پیرو آیین تعطیل
 Agnostics ناآگاهانه - لادریه
 Agoraphobia ترس از مکان‌های شلوغ - ترس از مکان آزاد
 Agrarian laws قوانین ملکی
 Agreeable خوشایند
 Agreement وفاق - سازگاری - اتفاق - هم‌خوانی - توافق
 Agreement and difference توافقی و تخالف
 Agreement and opposition توافق و تقابل
 Agreement on opinion اتفاق رأی
 Aim غرض - غایت
 Aim of life غایت حیات
 Aim of the city غرض مدینه
 Aimless عبث/ بی‌هدف
 Alchemist کیمیاگر
 Alienation از خودبیگانگی - از خودبیگانگی - دورماندگی - بیگانگی
 All هر - همه
 All - forgiveness غفران مطلق
 All - forgiving غفار مطلق
 All - inclusiveness شمول مطلق
 All - knowing همه‌دان - عالم مطلق - علّام
 All - Knowledge همه‌دانی - علم مطلق
 All - merciful رحمان مطلق
 All - mercy رحمانیت مطلق
 All - potency همه‌توانی - قدرت مطلق
 All - statement گزاره مطلق
 All embracing جهان‌شمول - جامع
 All fathers are parent همه پدران اولیای اطفالند.
 All good خیر مطلق
 All- inclusive شامل مطلق
 All- inclusive ego من فراگیر
 All knowing همه‌دان
 All otherness ماسوی
 All -potent همه‌توان - قادر مطلق - قدیر
 All -power همه‌توانی - قدرت مطلق
 All -powerful همه‌توان - قادر مطلق - قدیر
 All perfections جمیع کمالات

All-seeing بصیر مطلق - بصیرت مطلق
 All-sustaining رزاق مطلق
 All-sustenance رزاقیت مطلق
 All-wisdom حکمت مطلق
 All-wise حکیم مطلق
 All absolute ideality and objectivity هر ایده‌وری و ابژکتیویته مطلق
 Alleged vicious circle دور باطل ادعایی
 Allegiance بیعت
 Allegorical تمثیلی
 Allegory تمثیل
 Allegory تمثیل
 Allegory of the cave تمثیل غار افلاطون
 All-embracement احاطه مطلق
 All-embracing پرشمول - محیط مطلق - جامع - واسع - محیط مطلق (خداوند)
 All-embracing love عشق فراگیر
 All-good خیر مطلق - خوب مطلق
 Alliance پیوستگی - نسبت - ارتباط
 All-inclusive شامل مطلق
 All-perfect کامل مطلق
 All-powerful همه‌توان - قادر مطلق - قدیر
 All-statement گزاره مطلق
 All-statement گزاره مطلق
 Allusion تلمیح
 All-wisdom حکمت مطلق
 All-wise حکیم مطلق
 Almighty همه‌توانی - قدرت مطلق
 Almighty همه‌توان - قادر مطلق
 Almighty همه‌توان - قادر مطلق - قدیر
 Alone فرد (از اسماء الهی) - تنها
 Alone oneself تنها خود
 Alphabet نوشتار الفبایی
 Alteration استحاله - دگرگونی - تغییر
 Altered city مدینه مبدله
 Alternation تناوب
 Alternative گزینه - بدیل - شق - علی‌البدل - جایگزین
 Alternative theory نظریه جانشین
 Alternatives شقوق
 Altruism غیرخواهی - دیگرخواهی - دیگرگروی - دیگرگرایی - غیرپرستی - نوع‌دوستی
 Altruist دیگرگرا - غیرپرست
 Altruistic نوع‌دوستانه - غیرخواهانه - نوع‌دوست
 Altruism نوع‌دوستی - دگرخواهی

Amateur philosophers فلاسفه متفنن
 Ambiguity دوگونی / ابهام
 Ambiguous متشابه - دوپهلو - ابهام آمیز
 Ambiguous دوگونه
 Ambition قصد - بلندپروازی
 Ambitious بلندپروازانه
 Ambivalence دوسویگی
 Ambivalent دوسویه
 Amour fate عشق به سرنوشت - قبول سرنوشت
 Amoralism اباحه‌ی اخلاقی
 Amour de soi خویشتن دوستی - حب ذات (روسو)
 Amour proper غرور
 Amphiboly ممارات - سخن دوپهلو - سخن دارای ابهام
 Implicative دلالت‌کننده
 Amusement سرگرمی
 An Individual subject یک فاعل شناسای فردی
 Anagram تحریف - قلب - مقلوب
 Analitic philosopher فیلسوف تحلیلی
 Analogical تمثیلی - قیاسی - تشابهی
 Analogical extension توسع تمثیلی
 Analogical reasoning استدلال تمثیلی
 Analogical senses معانی تمثیلی
 Analogical writing نوشتن تشبیهی
 Analogies تمثیل (منطق) - تشبیه (عرفان) - معائنه (کلام)
 Analogies of experience تجربه‌ی تشابهی
 Analogies of experience تشابه‌های تجربه
 Analogies of experience تشابهات تجربه
 Analogism قیاس - تمثیل
 Analogous آناگویانه - مشابه
 Analogy تمثیل - تشبیه - مقایسه - قیاس - قیاس تمثیلی - مشابهت
 Analogy قیاس تمثیلی - تمثیل
 Analyses, to آناکاویدن - تجزیه کردن - تحلیل کردن و تحلیل کردن
 Analysis آناکاو - تجزیه و تحلیل
 Analysts طرفداران تحلیل
 Analytic تحلیلی
 Analytic a priori پیشینی تحلیلی
 Analytic judgment قضاوت تحلیلی - حکم تحلیلی
 Analytic philosophers فلاسفه تحلیلی
 Analytic philosophy فلسفه تحلیلی
 Analytic proposition گزاره تحلیلی - قضیه تحلیلی
 Analytic statement گزاره تحلیلی
 Analytic Theories of epistemic justification نظریه‌های تحلیلی توجیه معرفتی

Analytic truth حقیقت تحلیلی
 Analytical تحلیلی
 Analytical definition تعریف تحلیلی
 Analytical empiricism تجربیت تحلیلی
 Analytical intellect عقل تحلیلی
 Analytical judgment احکام تحلیلی
 Analytical movement نهضت فلسفه‌ی تحلیلی
 Analytical philosophy فلسفه تحلیلی
 Analytical truth حقیقت تحلیلی
 Analyticity شق جایگزین - بدیل
 Anamnesis یادآوری
 Anarchism اعتقاد به نفی حکومت - نافرماندهی - هرج و مرج - بی‌دولتی - بی‌سروری - آشوب‌گرایی - هرج و مرج‌طلبی - قدرت‌ستیزی
 Anarchist آشوب‌گرا - سرورستیزی
 Anarchy تحلیلیت - تحلیلی‌بودن
 ancestor نیا - جد
 Ancient قدما
 And so on, etc و بدینسان فراتر - الی ما بعد - الی آخر - و غیره
 Anesthesia عدم حساسیت
 Angelic reason عقل ملکی
 Angelic soul نفس ملکی
 Angels ملائکه
 Anger خشم
 Angst اضطراب
 Anguish حیرت - اضطراب - دلهره
 Animal behavior رفتار حیوانی
 Animal faith باور جانوری
 Animal kingdom عالم حیوانی
 Animal soul نفس حیوانی
 Animal spirit روح حیوانی
 Animator متحرک‌ساز
 Animism روح‌پرستی - روح‌پنداری - اعتقاد به جاندار بودن اشیاء و عالم - جاندارانگاری - اعتقاد به روح در قوانین طبیعی
 Annexation اتفاق بالاضافه
 Annihilation امحاء - فنا
 Annihilation in God فنا فی الله
 Annual فسخ
 Antagonism تضاد - عناد - خصومت - تعارض
 Antagonism - mutual dislike تنافر
 Antagonism and equilibrium تنافر و اعتدال
 Antecedence تقدم

Antecedent مقدم - پیشایند - مقدم [در برابر تالی]
 Antecedent skepticism شکاکیت مقدم
 Anteriority اولویت - تقدیم - پیشی
 Anthropocentrism انسان‌مداری
 Anthropocentrist انسان‌مداری - آیین انسان‌مداری
 Anthropological انسان‌شناسانه - مردم‌شناسانه
 Anthropology مردم‌شناسی - انسان‌شناسی
 Anthropomorphic انسان‌گونه - انسان‌وارانگارانه
 Anthropomorphism انسان‌گونه‌انگاری - انسان‌انگاری خدا - مذهب تشبیه - انسان‌انگاری - تشبیه - انسان‌انگاشتن خدا - قیاس به نفس - انسان‌وارانگاری - عمل ادراک خدایان بر مبنای نوع انسان، چه در شکل و چه در رفتار
 Anthropomorphist پیرو آیین انسان‌انگاری - مشبه - انسان‌گونه‌انگار
 Anti-discourse ضدگفتمان
 Anti foundationism ضد شالوده‌گرایی
 Anti- intellectual عقل‌ستیز
 Anti- intellectualism خردستیزی
 Anti- positivist مخالف تحصیلی مذهب
 Anti- realist ضد واقع‌گرایانه
 Anti- Semitism یهودستیزی
 Anti- thesis برابر نهاد - آنتی‌تز
 Anticipation پیش‌پایی
 Anticipations of perception پیش‌پایی‌های ادراک حسی
 Anticipatory anxiety اضطراب پیش‌بین
 Anti-humanism ضد انسان‌گرایی
 anti-intellectual ضد عقلی
 Antilogic ضد منطق
 Anti-naturalism ضد طبیعت‌گرویی
 Antinomianism اباحی‌گری
 Antinomies تعارض احکام - مسائل جدلی‌الطرفین - تعارضات - نقایص - احکام متعارض - تناقضات
 Antinomistic position حالت تناقض
 Antinomy تعارض احکام - احکام متعارض - خلاف آمد - تعارض
 Anti-rationalism خردستیزی
 Anti-rationalist خردستیز
 Anti-realism واقع‌ستیزی
 Anti-realist واقع‌ستیز
 Anti-religious naturalism طبیعت‌گرایی ضد دینی
 Anti-scientific ضد علمی
 Antisupernaturalism ضد ماوراءالطبیعه‌گرایی
 Antithesis نیستی - آنتی‌تز - وضع مقابل - وضع مخالف - برابر نهاد - ضد خود - نقیض

Anti-value ضد ارزش
 Antological argument برهان وجودی
 Anxiety اضطراب - دلشوره - جزع - ترس آگاهی هیبت - ونگ (در زبان پهلوی)
 Anxiety دلشوره
 Anxiousness تشویش - دلشوره
 Apathy بی‌احساسی - بی‌تفاوتی (اپیکور) - بی‌اعتنایی - بی‌فیدی
 Aphasia زبان‌پریشی
 Aphorism کلمه قصار - گزیده گویی - ایجاز - گزین گویه - گزین گفته
 Aphorism (کلمات) قصار
 Aphoristic manuals کلمات قصار
 Apodictic یقینی - امر ضروری - یقین منطقی
 Apollonian حالت آرام و متین آپولو (در برابر صاف و کیفیات هیجان‌آمیز و شورانگیز دیونوسیوس در فلسفه نیچه)
 Apologetic مدافعه‌گری - دفاع کلامی
 Apologist مدافعه‌گر
 Aposteriori غیر اولی - متأخر - بعدی - پسینی - مابعد تجربی
 Aposteriori judgment قضاوت پسینی - حکم بعدی
 Aposteriori Knowledge شناخت پسینی یا تجربی
 Apparent پدیدار - نمودار - ظاهری - جهان محسوس - جهان ظاهری
 Apparent memory حافظه ظاهری
 Appeal توسل - تمسک - جاذبه
 Appearance نمود [در برابر بود] - نمایش - پیدایی - ظواهر - ظاهر - جلوه - مجاز - جلوه ظاهر - فرمانمود
 Appearance نمود - ظاهر
 Appearance beliefs باورهای مبتنی بر ظواهر
 Appease rage شفاء غیبه - فرونشاندن خشم
 Apperception ادراک روشن - ادراک قوی - فهم واقعی آنچه ادراک شده
 Appertain تعلق‌داشتن - منسوب‌بودن
 Appetite شوق - میل - خواهش - شهوت - رغبت
 Appetitive خواهشی - شوقی
 Applicability کاربست‌پذیری - کاربردپذیری - قابلیت اعمال
 Applicable کاربردی - قابل اعمال
 Application کاربرد - کاربست - انطباق - اطلاق - اعمال - اجرا - صدق
 Applied کاربردی - اعمالی - کاربردی
 Applied logic منطق کاربردی

Applied philosophy	فلسفه کاربردی	Argument- place	موضع - شناسه
Applied science	علم کاربردی	Argumentation	اقامه حجت - حجت - احتجاج - مناقشه - برهان جدل
Applied sciences	علوم کاربردی - علوم عملی	Aristocracy	حکومت اشراف - اشرافیت - نژادسالاری - فرمانروایی
Apply	به کار بردن - صادق بودن - اطلاق کردن		برگزیدگان و نخبگان - حکومت اشراف - مهترسالاری -
Appraisal	ارزیابی		بزرگسالاری - حکومت اشرافی - اشرافیت
Appreciation	قدردانسی - ارج شناسی	Aristocracy of birth	اشرافیت مبتنی بر تبار
Appreciative	مدرک	Aristotelian categories	مقولات ارسطویی
Appreciative self	خودمدرک	Aristotelian society	انجمن ارسطویی
Apprehension	دریافت - دل آگاهی - دریافته - فهم - درک	Aristotelianism	ارسطوگرایی
Apprehension	ادراک	Aristotelianist	ارسطوگرا - پیرو ارسطو
Approach	رهیافت - رویکرد - نحوه تقریب - راه رسیدن - رهبرد -	Arithmetic	حساب
	دیدگاه - عقیده - راهبرد	Arrangement	آرایش - موقعیت
Appropriate	متناسب و شایسته - تخصیص - تخصیص یافته - خاص - مناسب	Art	هنر - صنعت - صناعت - فن
A priori judgment	قضایات پیشینی - حکم آزاد از تجربه	Art of ruling	هنر سیاست - فن زمامداری - فن حکومت - فن قانون گذاری
A priori Knowledge	شناخت پیشینی یا آزاد از تجربه	Articulate	مفصل - مدون
Apriorism	پیشینی گرایی	Articulated	سخن وندیده - منسجم - پیوندمند - انداممند
Aptitude	استعداد	Articulateness	اطناب
Arbitrariness	اختیار	Articulation	بیان
Arbitrary	دلخواهانه - اختیاری - خودسرانه - تحکمی - دلخواهانه	Artifice	صناعت
	دلخواه - خودسرانه - از روی تحکم - خودکامانه	Artificial	صناعی
Arbitrary	تحکمی	Artificial intelligent	هوش مصنوعی
Arbitrary axioms	اصول متعارف تحکمی	Artificial languages	زبان های ساختگی
Arbitrary name	نام فرضی	Art-making	هنرورزی
Arbitrary purpose	غرض گزافی	Arts	صناعات
Archaeology	باستان شناسی	As against	به خلاف
Archaism	کهنه گرایی	As hypotheses	چونان فرضیه
Archaist	کهنه گرا	As such	چونان
Archangels	ملائک مقرب	Ascending process	فراپویی - جریان عروج
Archbishop	سراسقف	Ascetic	مرتاضانه - مرتاض
Archetypal	متالی	Asceticism	مذهب زهد و ریاضت - زهد - ریاضت جویی -
Archetype	نمونه آغازین - مثال - صورت نوعی - سرنمون - نسخه اصلی - نخستین نمونه - اسوه - سرنمونه - مثال اعلی - نمونه کامل		ریاضت گرایی - زهدگرایی - پارسامنش - زاهدی - ریاضت کشی - پرهیزگاری
Archetypes of collective unconscious	کهن آگاه الگوهای ناخودجمعی (قومی)	Aspect	رویه - جنبه - منظر - نمود
Architect	معمار	Aspiration	انگیزش - شوق - شور - آرمان - خواست
Architectonic	ساختمند - منظم	Assembly line	خط مونتاژ
Argument	حجت - استدلال - دلیل - برهان - بحث - مناقشه - شناسه - رهبر	Assent	اذعان - تصدیق - اذعان عقلی
Argument form design	برهان نظم - برهان اتقان صنع - برهان از روی طرح و تدبیر - برهان اتقان صنع - برهان صنع		حکم - تصدیق - تقریر - قول - رأی - حکم - ادعا - اخبار - تأکید - اثبات
		Assertion	گزاره - حکم
		Assertive	اخباری - اثباتی
		Assertoric	تقریری - قطعی - تأکیدی - اخباری - حملی - ایقاعی - محقق - خبری

Assertoric imperative امر قطعی - امر تأکیدی
 Assessors محاسبه‌کنندگان
 Assimilation جذب - درونی‌سازی - همگونی - همانندسازی
 Association تداعی معانی - اتصال - پیوند - همراهی - تداعی - ملازمت - واخوانی
 Association تجمع
 Association of ideas تداعی تصورات - تداعی معانی - همخوانی اندیشه‌ها
 Associationist تداعی‌گرا
 Associationist psychology روانشناسی تداعی‌گرا
 Assumption مفروض - افتراض - اصل مسلم - فرض - انگاشت
 Assumption rule قاعده فرض
 Astonishment اعجاب - شگفتی
 Astrologer ستاره بین - اخترگرو
 Astrologist طالع بین - ستاره‌شناس
 Astrology اخترگویی - ستاره‌شناسی - علم احکام نجومی - طالع‌بینی
 Astronomy ستاره‌شناس - اخترشناس
 Astronomy نجوم - اخترشناسی - ستاره‌شناسی - علم هیئت
 Astrophysicist فیزیکدان نجومی
 Astuteness زیرکی - هوشیاری - دهاء
 Asymmetry بی تقارنی
 Asymptotic convergence هم‌گرایی مجانب
 Asymptotically مجانب‌وار - به‌طور مجانب
 At a distance در فاصله
 At first sight از همان آغاز - در نگر نخست - از پیش
 Ataraxia آسودگی خیال (در فلسفه اپیکور)؛ آرامش روح - تشویش‌ناپذیری - آرامش خاطر (اپیکور)
 Atavism انتقال صفات نیاکان به آیندگان به‌طور غیرمستقیم - ظهور دوباره یک صفت بعد از آنکه آن صفت برای یک یا چند نسل ظاهر نمی‌شود.
 Atheism الحاد - انکار خدا - خدا‌ناگرایی - خدا‌ناشناسی - کفر - خدا‌نا‌باوری - بی‌خدایی
 Atheist ملحد - منکر خدا - بی‌دین - دهری
 Atheistic ملحدانه - الحادی
 Atheistic existentialism وجودگرایی الحادی - وجودگرایی خدا‌نا‌گرایانه
 Atheistic positivists اثبات‌گروان ملحد
 Atom بی‌پاره - جزء لایتجزا - ذره - اتم - ذره
 Atomic ذره‌ای
 Atomic constituents سازهای بسیط - مؤلفه‌های بسیط
 Atomic events حوادث اتمی

Atomic fact گزاره، جمله، اصل، امر واقع اتمی
 Atomic formulas فرمول ذره‌وار
 Atomic individualism فردباوری ذره‌ای
 Atomic sentence جمله تجزیه‌ناپذیر - جمله اتمی
 Atomic theory نظریه اتمی
 Atomism اتمسیم - ذره‌گرایی - نظریه‌ی اتمی - مذهب ذره - ذره‌باوری - مذهب جزء لایتجزا
 Atomist ذره‌گرا - اتم‌باور - مدافع نظریه اتمی
 Atomistic ذره‌باورانه
 Atonement کفاره
 Atraxy بی‌غمی - رواقی
 Attention انتباه
 Attentive نافذ
 Attitude تلقی و نگرش - گرایش - برداشت - رأی - نگره - حالت و وضع - شیوه نگرش - رهیافت
 Attraction کشش - جذب - جذب
 Attractive جاذب
 Attractive faculty قوه جاذبه
 Attribute صفات خداوندی (در فلسفه مدرسی) - محمول - صفت صفات ذاتی (در فلسفه دکارت و اسپینوزا) - صاف ذاتی - عرض - مسند
 Attribution اسناد - حمل - نسبت
 Attribution par derivation حمل اشتقاقی
 Attune دمساز کردن - بر وفق آوردن
 Attunement دمسازی - وفاق - حالت
 Atypical فاقد سنخ
 Auditor نیوشنده - مستمع
 Authentic اصیل
 Authentic existence هستی معتبر (کی‌یر کگارد)
 Authenticity اصالت (هایدگر)
 Author صانع - خالق (خدا)
 Author of nature صانع طبیعت
 Authoritarian آمرانه - مبتنی بر خودکامگی - تحکمی
 Authoritarian religion دین مرجعیت‌گرا
 Authoritarianism آمریت‌گرایی - اقتدارطلبی - مرجعیت‌مآبی - مکتب مرجعیت
 Authoritative موثق - آمرانه - مقتدرانه
 Authoritative knowledge معرفت اجتهادی
 Authority قدرت - اقتدار - مرجع - حجت - حجیت - مرجع اقتدار - مرجع معتبر - مرجع مقتدر - ریاست
 Autobiography زندگینامه‌ی خودنوشت
 Autocracy حاکمیت ذاتی

Auto-dialogue	مخاطبه با خویش	Avidity	عطش - اشتیاق
Autodidact	دانش‌اندوز	Avoid	اجتناب
Automatic machine	ماشین خودکار	Awakening	دل‌آگاهی - بیداری
Autonomist liberalism	لیبرالیسم خودمختاری خواه	Awe	هیبت - هول
Autonomist liberalism	لیبرالیسم خودمختاری خواه	Awesome	اصل متعارف
Autonomous will	خودمختاری اراده - خودآیینی اراده	Axiology	ارزش‌شناسی
Autonomy	استقلال - خودمختاری - خودسالاری	Axiom	اصل موضوع - اصل متعارف - علم متعارف - ارز آغاز
Autonomy of the will	اعجاب‌انگیز - هیبت‌انگیز	Axiom of choice	اصل موضوع انتخاب
Auxiliaries	نگهبانان - نظامیان - طبقه‌ی معین	Axiom of equity	اصل موضوع مساوات
Avail oneself of something, to	به‌کار گرفتن	Axiom schema	قالب اصل موضوعی
Avatar	تن‌پذیری - تجسد	Axiomatization	اصل‌گذاری - اصول‌سازی
Average	متوسط - میانگین	Axiom	اصل متعارف - علم متعارف - علم جامع
Average order	نظام میانگین	Axioms	اصول متعارف - بدیهیات - اصول بدیهی
Averaging	میانگین‌گرفتن	Axioms of intuition	اصول متعارف شهود
Aversion	بیزاری		

B

Baccalaureate	گواهینامه متوسطه (باکالورنا)
Back- to- the basis	بازگشت به دروس بنیادی (در برنامه درسی)
Backward processing	پردازش معکوس
Backward step	عقب‌گرد
Backwardness	عقب‌ماندگی - توسعه‌نیافتگی - وارونگی
Backward-premises	سابق - مقدمات
Backward-reason	سابق - دلیل
Back-wash effect	اثر آشفتگی
Bad fait	ایمان بد
Bad faith	دورویی - لحاظیت
Badness	بدی
Balance	توازن - ترازمندی - تعادل - موازنه - تراز - ترازمندی
Balance of payments	تراز پرداخت‌ها - موازنه پرداخت‌ها
Balance of personality	توازن شخصیت - تعادل شخصیت
Balance of power	تراز قدرت - سیاست موازنه
Balance of trade	موازنه بازرگانی - تراز تجارت - موازنه تجاری
Balance sheet	ترازنامه
Balance theory	تئوری تعادل
Balanced	متوازن
Balanced advance	پیشرفت متوازن
Balanced diet	تغذیه متوازن
Balanced growth	رشد متعادل - رویش تراز - توسعه متعادل - رشد متوازن
Banality	ابتدال - سادگی
Bare monad	مواندهای صرف
Base	زیرساخت - اصل موضوعه
Base and wretched	خست و شقوت
Base behavior	تخاسس - رفتار و عادت زشت
Base qualities	خسانس
Based on	قوام

Bases of operations	بنیادهای عمل
Basing relation	نسبت ابتناء
Basis	پایه - مبنا - اساس - قاعده - بنیاد
Basis step	گام بنیادی
Be in its complete sense	کان تامه
Be in its incomplete sense	کان ناقصه
Be produced, to	صادر شدن
Be punished, to	عذاب‌دیدن - عذاب‌شدن
Be realized, to	تحقق یافتن - حاصل‌شدن
Be rendered null, to	باطل‌شدن
Be satisfied, to	راضی‌بودن
Be! So it comes to be	کن فیکون
Bearers of religion	حمله دین
Beatitude	بهجت - سعادت پایدار - ابتهاج
Beatitude	سعادت
Beauty	جمال - زیبایی
Becoming	شدن - ضرورت - گردیدن - صبرورت - تغییر - شوند - تجدد
Becoming (flux)	صبرورت - شدن
Becoming accustomed	اعتیاد
Beginning	مبداء - آغاز
Beginnings	مبادی
Behavior	رفتار
Behavioral sciences	علوم رفتاری
Behaviorism	رفتارگرایی - اصالت کردار - رفتار بنیادی - نفی درون‌بینی و شعور باطنی
Behaviorism	رفتارگرایی
Behaviorist	رفتارگرا - اصالت رفتاری
Behaviorist psychologist	روان‌شناس رفتارشناس
Behaviorist psychologist	روان‌شناس سلوک و رفتار - رفتارشناس
Behavioristic	عمل‌گرایانه
Behaviorists	رفتارگرایان

Behold	نظاره	Being toward death	هستی به سوی مرگ
Being	هستی - وجود - بود - بودن - کائن - موجود - هستنده	Being without beginning	تقدم
Being as being	موجود بماهو موجود - هستنده از آن رو که هستنده است.	Being wrapped	اندراج
Being as such	وجود بماهو وجود - هستی بماهو هستی	Being's abandonment	وانهادگی هستی
Being caused	معلولیت	Being-for-itself	هستی لنفسه - موجود برای خود - هستی فی نفسه
Being colored	رنگینی - با رنگی - رنگ‌مندی - رنگین‌بودن	Being-in-and-for-itself	هستی فی نفسه لنفسه
Being created	مجمعولیت	Being-in-itself	هستی فی نفسه
Being creator	جاعلیت	Being-in-themselves	موجود در خود
Being determined	تقید	Beinglessness	فقدان هستی
Being effect	معلولیت	Beingness	موجودیت - هستندگی
Being essential	ذاتیت	Belief	اعتقاد - ایمان - باور - عقیده - ظن - گروش
Being excessive in religion	علو در دین	Belief in eschatology	ایمان به اخرویات
Being existent	موجودیت	Belief in the corporeality of God	تجسیم
Being first	اولویت	Belief with the heart	ایمان قلبی
Being for God	وجود للحق	Belief within the heart	باور قلبی
Being for self	موجود لذاته	Belief-dependent	متکی به باور
Being honored	مکرم	Believer	مؤمن - گرونده - گرویده - معتقد
Being in act	موجود بالفعل	Believer in God's Unity	موحد
Being in itself	هستی فی نفسه - صرف‌الوجود - موجود بنفسه - موجود فی نفسه - وجود بنفسه	Believers	اهل ایمان
Being in itself	هستی فی نفسه	Believers in fate	قدریه
Being incipience	نوخواسته‌بودن / آغازنده‌بودن	Believing	اعتقاد - ایمان - مؤمن
Being inconsistent	تناقض‌گویی	Belonging	تعلق
Being Individual	شخصیت	Beloved	محبوب
Being influenced	تأثر	Beloved community	اجتماع محبوب - جامعه‌ی محبوب
Being itself	صرف‌الوجود	Beloved friend of God	خلیل‌الله
Being lost	ضالیت	Beloved of God	حبیب‌الله
Being made	مجمعولیت	Beloved, the	حبیب (خداوند)
Being made necessary	ایجاب	Beneath	پایین - زیر - دون - تحت نفوذ
Being necessary in his essence	واجب‌الوجود بالذات	Benefaction	صنع - نعمت
Being of beings	هستی هستندگان - وجود موجودات	Benefactor, the	منعم (خداوند)
Being perpetually in his coextensive	معیت دهری	Beneficence	نیکوکاری
Being qua being	موجود بماهو موجود	Beneficent	نیکوکار
Being qualified by existence	متصف‌شدن به وجود	Beneficent, the	محسن (خداوند)
Being respectful	کرم - تواضع	Beneficial	نافع
Being simultaneous	معیت	Benefit	احسان - صلاح - لطف - منفعت - نعمت
Being so, the	چنین استی	Benefit from God	لطف الهی
Being stronger	اشدیت	Benefiter, the	نافع (خداوند)
Being- substance	جوهریت	Benevolence	خیرخواهی - تفضل - رحمت - نیکخواهی
Being thankless	کفران	Benevolent	خیرخواهی - نیک‌خواهی - نیک‌خواهانه
Being the creator	خالقیت	Benevolent action	عمل خیرخواهانه
Being time	زمان‌بودن	Benevolent assistance	لطف
		Benevolent despotism	استبداد خیرخواهانه
		Benevolent despotisms	استبدادهای نیک‌خواه
		Benevolent, the	منان (خداوند)

Beseeching God	خدا را خواندن
Besotted	مخمور
Besought of all, the	صمد (خداوند)
Best arrangement of things, the	نظام احسن
Best interest	مصلحت
Best interest, the	اصلح
Best of the deceivers, the	خیر الماکرین (خداوند)
Bestial Pleasure	لذت حیوانی
Bestial soul	نفس بهیمی
Bestowal	اعطاء - موهبت
Bestowal of existence	ایجاد
Bewitchment of language	جادوگری زبان
Bias	تعصب - طرفداری متعصبانه
Bibliography	کتابنامه
Bilingual	دوزبانه
Binary	دوتایی
Binary code	رمز دوتایی
Binary opposition	تقابل های دوتایی
Biologic	منطق زیستی
Biological	زیستی اجتماعی
Biology	زیست شناسی
Biosocial	زیستی اجتماعی
Biosphere	زیست کره
Bipolar	دوقطبی
Bivalence	دوارزشی بودن
Bivalent	دوارزشی
Bivalent predications	محمول های دوارزشی
Blame	مذمت - نکوهش
Blamable	نکوهیدگی
Blameworthy	مذموم - سزاوار سرزنش
Blanch slate	لوح سفید
Blank forms	صورت های تهی
Blasé	بی اعتنائی از سر سیری
Blessed	برکت یافتگان (بهشتیان)
Blessedness	تبرک - رستگاری
Belief externalism	پرون انگاری باور
Blind	بی بصیرت
Blind unconsciousness	ناخود آگاهی کور - کوردلی

Bliss	بهجت
Blocks world	قطعه ها
Blood and soil	خاک و خون
Boasting	صلف - خود پسندی
Bodies below the heavens	اجسام تحت سماوی
Bodily heath	سلامت ابدان - گرمی حیات
Body	جسم بدن - تن - پیکره (مجموعه)
Body politic	اجتماع سیاسی - پیکره سیاسی
Body studied by science	جسم تعلیمی
Boldness	جسارت
Bon	حُسن
Boredom	دلتنگی - ملالت - اطاله دم - دم ریسه
Bores	مزاحمان
Boring	مالل آور
Borrowed	مستعار
Borrowed soul	جان مستعار
Bottom up theorizing	نظوروزی بازگونه
Bound	پابند
Boundary of experience	مرز تجربه
Bourgeoisies	بورژوازی - طبقه ی سرمایه دار
Braham	برهمن
Brainwashing	شستشوی مغزی
Bracketed expression	عبارت پرانتزی - عبارت درون کروشه
Bridge rules	قاعده های پل سان
British standard color chart	جدول رنگ معیار بریتانیایی
Buddahood	بیدار دلی - بصیرت یافتگی
Buddha	بصیرت یافته - بیدار دل - بودا
Buddhist meditation	مراقبه بودایی
Buddism	بودایی گرای - بودیسم
Buddist	بودایی
Building	ساختمان - ساختن
Built-in search procedures	جست و جوی ذاتی و جبلی
Bulk	حجم
Bureaucracy	دیوان سالاری
Burghers	شهروندان - سرمایه داران
By itself	فی نفسه - به خودی خود
By the sense	با حس - حساً